

تقدیم

شماره ششم

بهمن ماه ۱۳۰۶

سال اول

بقلم آقای تقی زاده

فقدان نقشه مستلزم فقدان بودجه

یا

فقدان بودجه ناشی از فقدان نقشه است

(بقیه از شماره قبل)

۳۶۹
(بواسطه ضیق صفحات مجله «تقدم» تمة این مقاله در شماره گذشته درج نشده و دنباله آن بریده شد امید است رشته مطلب در خاطر خوانندگان محترم منقطع نشده باشد بدختانه اغلاط زیادی هم در طبع راه یافت و حذف و اسقاط‌های خارج از ارتباط نگارنده مقاله یا مدیر مجله و مطبعه نااندازه‌ای در بعضی موارد موجب فوت مقصود گردید . این ترتیبات نیز ناشی از فقدان نقشه کلی است در امور مملکتی .

موضوع کلام اظهار عقیده بود در يك بودجه مثالی که نماینده يك نقشه اساسی برای مملکتداری باشد و در آن نقشه احیای مملکت و استقلال ملی و تمدن حقیقی و نجات قطعی یا داخل شدن در عداد ملل مستقل تمدن و زنده و قائم با لذات از نقاط اساسی و اولی و جهة همت باشد .)

نقشه‌ای که ذیلاً اظهار میشود در قالب يك بودجه مخارج متصاعد و متنازلی است که برای ۱۲ یا ۱۵ سال ترتیب داده شده از توضیح اقلام آن جزئیات نقشه روشن میشود بعضی از قلمها بتدریج هر سال زیاد تر میشود و بعضی بمرور کمتر و حتی الامکان با تناسب مستقیم و بعضی هیچ تغییر نمی یابد بطوریکه در سال دوازدهم یا پانزدهم مثلاً تقسیم عایدات مملکت بمخارج مملکتی مطابق تناسب ستون دست چپ بعمل بیاید .

تومان برسد در آن صورت صدی ۲ از آن عایدات باز يك ملیون تومان میشود از آن طرف اگر امروز مطابق این نقشه قریب ۱۲ ملیون تومان و ربع ملیون بر قوای جنگی خود صرف کنیم بعد از دوازده سال نه تنها خمس این مبلغ اضافه میشود بلکه بر فرض تزیاید عایدات تا ۵۰ ملیون ۱۵ ملیون در سال خواهد شد.

بدبختانه در بعضی اقلام مخارج ما متناسب با مخارج بعضی ممالک کوچکتر و پر جمعیت تر نمیتواند بشود زیرا که مساحت مملکت ما با وجود کمی نفوس موجب مخارج عظیمی است برای مدافعه و امنیت و سیم تلگراف و طرق و شوارع و نظایر آن چنانکه مثلا بلژیک از کلیه عایدات خود صدی هفت بقوای دفاعیه میدهد و بوزارت مالیه کمتر از صدی ۳ صرف میکند. استهلاك قروض خارجه هم در ممالک دیگر قسمت زیادی از عایدات را میگیرد چنانکه در بلژیک تنها ۳۲ و نیم درصد از عایدات صرف این فقره میشود يك فرق دیگر میان مملکت ما و ممالک اروپا نیز آنست که در آنجا خیلی از کارها که راجع بمعمر کردن مملکت و گذاشتن اساسهای عمده است پرداخته شده و انجام گرفته و در بعضی ممالک برای ساختن راههای تازه کمتر پول صرف میشود و فقط بنگاهداری طرق شوسه و آهنی موجود قسمتی کوچک از عایدات تخصیص داده شده که در واقع کم و بیش معادل عایدات خود آن رشته است در صورتیکه ما باید کشتی تازه بسازیم، راه تازه بنا کنیم، قلعه ها آباد کنیم، سیمها بکشیم و عمارات مدارس بنا نهیم. از همه مشکل تر و سنگین تر مخارج قوای نظامی ماست که با این بهنای وسیع مملکت و سرحداتی دور و دراز خود نمی توانیم با قشون کم و مخارج محدود امنیت داخلی و خارجی را در خاک مکران و خوزستان و پشت کوه واردلان و آذربایجان از ما کونا ولایت سرباز و سرحد بلوچستان و از بندر جاشک تا مصب اترک و از طبس تا قصر شیرین و از صحرای بموت و گنبد قابوس و بیله سوار تا ملک سیاه کوه و نرماشیر و بمپور کاملا حفظ کنیم علاوه بر این قشون تازه ما جدید التأسیس است و هزار جور تاسیسات تازه میخواهد توپهای جدید از صحرائی و مسلسل و قوای

هوایمائی و دستگاه فشنگ‌سازی و تفنگ‌سازی و توپ‌ریزی و تمام وسایل علمی و فنی جنگ‌ماشینی امروزه را که «تکنیک» در آن بیشتر از شجاعت افراد و انبوه لشکر عامل مهم شده لازم دارد قلاع طرز جدید، انبارهای ذخیره و آذوقه، وسایل نقلیه سریع و راههای سوق الجیشی می‌خواهد و بهمین جهت است که مملکت لهستان هم با موجود داشتن قسمتی از این لوازم مانند راهها و قلعه‌ها چون محتاج تأسیس قشون تازه است ۳۱ و نیم در صد از عایدات خود را صرف قوای جنگی میکند (۱) ایران باید بواسطه اجرای کامل اصول خدمت نظامی عمومی و مرخص کردن قشون بنبیچه و افراد مسن‌تر و متأهل و بواسطه تقلیل مخارج افواج از این راه تهیه قشون تحت‌السلطی بنماید که اقلاً دو برابر قوای حالیه در کمیت و ده برابر آن در کیفیت بشود و پس از آنکه پهلوی بلژیک و لهستان و یوگوسلاوی و رومانی در کمیسیون خلع سلاح جامعه ملل نشست آنوقت بافکار عالیّه انسانیت دوستی حضرات اشتراك کرده بنسبتی که روسیه و انگلیس و عثمانی و ژاپن خلع سلاح یا تقلیل قوی میکنند ایران نیز شروع بتقلیل کند.

در زمینه معارف حال ما خیلی خراب است و پس
از قوای نظامی هیچ چیزی برای ایران واجب‌تر
از معارف نیست قشون در واقع يك سپری است
که در پناه آن باصلاحات دیگر دست توان زد و
باین جهت تقدم زمانی دارد یعنی اول و قبل از

معارف

و

تربیت عمومی

همه چیز باید بان کار شروع و اهتمام شود ولی معارف عمومی پایه و اساس هر اصلاح و ترقی و تمدن و آزادی و سعادت است و حتی برای ایجاد يك قشون وطن دوست و دارای روح و اخلاق لازمه لشکری و کار آمد بودن آن باز شرط اول تربیت عمومی ملت است چه در این نکته شکی نتوان داشت که يك فوج سرباز فرانسوی وقتی که بالفرض باید فوج سرباز سیاهی

(۱) قوای جنگی لهستان عمارتست از دوپست و پنجاه هزار قشون تحت‌السلطی با تمام معدات جنگی امروزه ۵۶۰ آتروپلان جنگی با ۶۵۱۰ نفر لشکر هوایی و برای همه قسمتهای جنگی خود در سال ۶۸ میلیون تومان صرف میکند

که در عده وعده ولوازم جنگ و فنون نظامی و تمام شرایط دیگر و وسائل مستقیم جنگ با آنها متساوی باشد مقابله کند باز غلبه با قشون فرانسوی خواهد بود که میدانند برای چه جنگ میکنند و مزایای دفاع وطن را میفهمند. علاوه بر تربیت و تعلیم افراد قشونی تربیت عمومی ملت که در پشت اردوی خود با صبر و ثبات و جانفشانی از اولاد وطن خود که در صفوف جنگ با دشمن ایستاده‌اند پشتیبانی میکند صد برابر مهم‌تر از تعلیم دیدگی و تربیت شدگی خود افراد قشون است در موقع جنگ بین المللی اخیر مقاومت و متانت و صبر و بردباری و جانفشانی و اتحاد و کوشش قسمت غیر مسلح ملت آلمان و زنهای پیر و جوان آنها کمتر از جانبازی قشون آن مملکت نبود و واقعاً خرق عادت بوده و این نبود مگر بواسطه تأثیر دستگاه تعلیم و تربیت آلمان و انتشار عمومی تعلیم در آنجا که از دویست و یازده سال باینطرف تعلیم اجباری دارند بدبختی بزرگ ما در این زمینه یعنی معارف عمومی آنست که ما سیصد سال افلا از ممالک متمدنه عقب تر مانده ایم (۱) و تازه میخواهیم بکاری شروع کنیم که آنها ده پشت متوالی در آنراه کار کرده‌اند و اگر ملاحظه شود که مملکت لهستان با وجود آنکه در یک قسمت آن که از آلمان جدا شده تعلیم کاملاً منتشر بوده و در قسمت دیگر هم که از تحت حکومت روس آزاد شده باز نسبت بسایر ممالک روس بسط تعلیم بیشتر بوده امروز که تازه بشاهراه حیات ملی جدید خود داخل شده از ۲۱۶ میلیون تومان عایدات مملکتی سالیانه خود ۳۲ میلیون ونیم تومان را برای معارف عمومی صرف میکند، یعنی ۱۵ درصد در صورتیکه با وجود داشتن قریب سی میلیون نفوس و واقع شدنش میان آلمان و روسیه و داشتن ۲۲۵ فرسخ سرحد با روسیه که بزرگترین خطر خود میدانند برای قوای جنگی کمتر از ۶۸ میلیون تومان صرف میکنند یعنی کمتر از ۳۲ درصد فوق فاحش درجه توجه ما و آنها با اهمیت تعلیم ملت واضح میشود مملکت سوئد که شش میلیون نفوس دارد برای معارف عمومی خود ۳۴ میلیون ونیم تومان در سال صرف میکند که قریب صدی ۱۸ از عایدات

«۱» در آلمان ۲۱۱ سال است تعلیم عمومی و اجباری شده است و در دانمارک ۱۱۴

سالیانه آن مملکت است .

در مملکت بد بخت ما که گرفتار « گه گیری » و روش « گلانی » است و با فقدان نقشه علمی و مبنی بر تجارب با اقدامات تصادفی اداره می شود و سیاست عمومی و مالی آن در روی اساس تحقیقات علمی نیست بمعارف عمومی کمتر از هر چیز توجه میشود از عایدات مملکت ایران کمتر از صدی ۴ بمصرف کل معارفی میرسد و از این مبلغ (۳۶۹ ۰۰ ۴۰۰) تومان در بودجه سال قبل (کمتر از نصف) یعنی (۲۱۹ ۰۰ ۶۷۶) تومان) برای تعلیمات عمومی و مخارج اداری ولایات ایران (غیر از شهر طهران و حومه آن) خرج میشود یعنی کمتر از صدی ۲ و در واقع ۱۸ در هزار از بودجه کل و از آن طرف برای امور بسیار کم اهمیت و حتی بی لزوم مثل خریدن خانه برای سفارتخانه های ایران در پایتخت های خارجه قریب يك كرور تومان صرف میشود که ۱۲۵ هزار تومان از آن در بودجه امسال منظور شده است اصلاحات داخلی و تربیت ملت هزار بار مقدم بر تجملات نمایندگی در خارجه است که ما آنرا « آبرو مندی » مینامیم و اگر باور نمی کنید نظری بمیزان مخارج ملل متمدن در این دوزمینه بیفکنید تا معلوم شود ما چقدر از مرحله پرت هستیم دولت سوئد که بقرار مذکور در فوق برای معارف مملکت قریب صدی ۱۸ از عایدات خود (۳۴ ملیون و نیم تومان) صرف میکند بوزارت امور خارجه یا « آبرو مندی » خود از مخارج عادی و فوق العاده رو بهم رفته کمتر از صدی يك (و در واقع هشت در هزار) از بودجه خود می دهد یعنی يك ملیون و ششصد هزار و کسری تومان یا ۲۱ مرتبه کمتر از معارف دولت نروژ که قریب صدی ۱۵ از عایدات خود را برای معارف و صدی ۴ برای صحیه صرف میکند کمتر از صدی يك برای وزارت خارجه خرج میکند دانمارک بوزارت خارجه خود کمتر از يك و نیم در هزار از بودجه کل خود تخصیص داده و بمعارف عمومی ۱۹ در صد یعنی ۱۳۶ برابر بیشتر و حتی برای وزارت جنگ کمتر از يك عشر بودجه یعنی ۱۰ در صد خرج می کند ، هولاند بوزارت خارجه صدی نیم و بمعارف صدی ۱۸ بودجه خود را

میدهد دولت رومانی که امروز یکی از دول درجه دوم اروپا شده و میشود و قریب ۲۱۵ میلیون تومان عایدات سالیانه دارد برای معارف صدی ۱۲ و برای صحیه صدی ۳ ولی برای وزارت خارجه صدی ربع یا ۲ و نیم در هزار از عایدات خود خرج میکند و بمباراة اخری بمعارف ۳۶ برابر و صحیه ۱۲ برابر وزارت خارجه صرف میشود و این در صورتی است که آن دولت قریب دوست میلیون تومان قرض داخلی و خارجی دارد و باید مبلغ هنگفتی برای استهلاك آنها در بودجه خود منظور دارد و شاید اگر این فقره نبود صدی بیست بودجه خود را صرف معارف میکرد، اسپانی که یکی از دول درجه ثانی دنیا و اروپاست برای وزارت خارجه خود (که در تمام ممالک عالم و مخصوصاً اروپا و آمریکای جنوبی و مرکزی فعالیت دارد) کمتر از صدی نیم عایدات سالیانه خود و در واقع قریب ۴ در هزار صرف میکند و بمعارف بیشتر از ۱۲ برابر آن، ایتالی که یکی از دول معظمه درجه اول دنیا است بوزارت خارجه ۳ در هزار از عایدات خود میدهد و بمعارف درست ۱۷ برابر آن تمام ممالک دیگر عالم هم بنسبت کم یا بیش همین حال را دارد و هیچ مملکتی در دنیا نیست که مخارج وزارت خارجه آن حتی ثلث مخارج وزارت معارف بوده باشد (۱) و همه این ارقام راجع ببودجه پارسال ممالک مزبور است این نسبت معارف ببودجه کل در صورتی است که در آن ممالک بی سوادى باندازه ایران نیست و مملکت ما که ننگ داشتن ۹۸ درصد بی سواد را دارد و جهاد فوق العاده بر ضد بی سوادى باید بکند مدارس اکابر را بخاطر صرفه شش هزار تومان در سال بر هم میزند و شاگرد کفش دوز و حمال را از تحصیل سواد در شبها باز میگذازد و در همان وقت مشغول خریدن خانه برای سفارت درواشنگون و لندن است .

دولت روس یا اتحاد جماهیر شوروی صدی ۱۰ و نیم از عایدات کل مملکتی خود را برای معارف عمومی و صنایع مستظرفه صرف میکند

«۱» فلاند با ۲۲۰ میلیون تومان عایدات بوزارت خارجه کمتر از صدی يك بودجه خود و فرانسه کمتر از صدی نیم، ژاپن يك در صد، عثمانی ۱۰۶ در صد و بلغارستان کمتر از ۲ در صد تخصیص داده اند .

۳۷۵

و برای مخارج قشونی ۱۱ و نیم و اینک بموجب نقشه جدیدی که پیش گرفته اند در نظر دارند از ۱۹۳۳ مسیحی یعنی ۵ سال بعد تعلیم اجباری عمومی و مجانی جاری سازند و برای این مقصود از حالا مشغول تربیت معلمین کافی و فرستادن محصلین بخارجه هستند.

همه کس در دنیای خارج از ایران ملتفت شده که کار اساسی برای مملکت همانا تربیت عمومی ملت است و قلع و قمع بی سوادى از مملکت . فقط در مملکت ما هنوز توجه لازم باین نکته اهم و اصلی که جان همه ترقیات دیگر و تنها ضامن استقلال مملکت و بقای قومیت و نجات ملت است نشده است ما تصور می کنیم که با بنای سفارتهای « آبرو مند » در خارجه با دادن چهل و پنج هزار تومان برای تبلیغات در خارجه ، با ترجمه قوانین مملکتی بزبان فرانسه با ده هزار تومان مخارج ، با احداث خیابانهای وسیع با مخارج گزاف و اضرار مردم ، با صرف مبالغ عظیمه برای راه آهن بدون داشتن اهل فن و صادرات کافی ، با ساختن عمارت پستخانه جدید صد هزار تومانی در طهران و در همان حال تعمیر ابنیه دولتی با صد و پنجاه هزار تومان برای خالی گذاشتن آنها ، با تغییرات صوری جبری بدون انقلاب قلوب و روشنی مغزها مملکت ما هم آباد و داخل جرگه متمدنین و ملت ما آدم میشود و با استقلال این مملکت میشد تواند شد در صورتیکه در نظر صاحبان روشن بین بدیهی است که اگر اساس معرفت ملت که بنیان همه کارهاست میشد نشود تمام بناهای دیگر بیک اتفاقی پاشیده و متلاشی و فرو ریخته میشود . فعلا در شش مملکت از ممالک اطراف ایران نقشه مرتبی در کار اجرا و تکامل است که هر کدام از آنها در صورت عدم آمادگی ما محققاً فنای ایران یا اقلا مثل شدن این ملت را مستلزم است با همه حسن نیتی که از اولیای امور ممالک همسایه ظاهر میشود تعصب ملیت عربی و خیالات « ایردانتیزم » در بغداد خطر قطعی و ضربت مهلکی برای نواحی عرب نشین یا عربی زبان ایران تهیه میکند و فقط منتظر تکمیل ترقیات مادی عراق عرب و بلند تر شدن میزان ارتفاع معرفت و تربیت مردمان آن مملکت از مردم بختیاری و اصفهان و لرستان

است و بمجرد اینکه يك جمعی که مجاور دو قوم است یکی همزبان و دیگری دارای زبان دیگر همسایگان همزبان خود را در معرفت و تمدن و اقتصاد و ثروت بالا تر از همسایه عجمی خود دید مثل میوه رسیده یا مرغ پر سوخته بحکم قطعی طبیعت به آغوش قومی که همزبان خود اوست میافتد خواه بغداد بخواهد یا طهران نخواهد یا هیچ يك نخواهد رجعت سیاسی که در عثمانی نسبت بافکار «پان ترکیزم» جهانگیرانه مشهود می شود يك امر موقتی است و ابداً چیزی از عقایدیکه در آنجا ریشه کرده تغییر نداده است بلکه جانشینان طلعت و انور و جاوید با حفظ عقاید یوسف آقچوره و احمد آقا اوغلی و ضیا گوک آلب و امین بیك ترتیب عاقلانه ای برای اجرای تدریجی و قطعی آن پیش گرفته اند که بیشتر از سابق مبنی بر اساس علمی است و بقول خودمان «نخورد ندارد». ایجاد مملکتی ترکی دارای وحدت ملی کامل و متجانس و تربیت آن ملت و مخصوصاً عمران اقتصادی مملکت و بنای راههای منظم مقدمه هر مداخله یا نفوذی در پشت دیوار تشخیص داده شده است. احیای ملیت کردی در ولایات شمالی مملکت عراق و نشر جراید بزبان کرمانج در رواندوز و بغداد و سلیمانیه با اسم «زار کرمانجی» و «دیار کردستان» و «ژبانو» (یعنی رستخیز) و تبلیغات مشابه در کردستان ایران تشکیل يك مملکت کردستان بزرگ را فقط موقوف بترقی مادی و معنوی موصل و سلیمانیه میکنند، تعقیب سیاست مساواتیان با کو از طرف جانشینان سرخ آنها و کار کردن بسیار جدی و از روی نقشه در زمینه همان سیاست و تبلیغات لفظی و عملی ضد فارس در میان پنجاه هزار عملة ایرانی از دهاتیان اردبیل و خلخال و زنجان و غیره یکی از خطرناک ترین سوء قصد ها بملیت و تمامی خاک ماست بانهایت صفا و خلوص و دوستی صمیمی و برادری که در پادشاه و وزراء افغان نسبت بایران مسلم است بعضی آثار دلالت بر آن دارد که در نقشه آنها یککه خواب امپراطوری ترك میبینند و علاوه بر طمع در ولایات و نواحی ترکی زبان ایران در بلخ و مزار شریف نیز سوء نظر و طمع دارند این خیال نیز موجود است که افغانستان را علاوه بر بدست آوردن مخرج دریائی بضرر ممالک ایران

سرپرستی (و باصطلاح فرنگی هژمونی) اقوام ایرانی نژاد در قسمت مرکزی و جنوبی افغانستان و ایران و در عوض بصرف نظر از ولایات شمالی افغان تشویق نمایند .

در مملکت روسیه تدارك يك استیلاي اقتصادی ایران خیلی بیشتر از ایام امپراطوری دیده میشود و این استیلاي فوق العاده اقتصادی که حتی بفنای خرده فروشهای مملکت وضبط تمام کارهای کوچک و بزرگ داخلی از شوفوری تا آشپزی نیز منجر میشود ملازم استیلاي مسکنی است و اگر باین روش که مشهود است پیش برود رشت و قزوین و تبریز و طهران هم حال مشهد سر و آستارا و انزلی و غازیان را پیدا خواهد کرد که نلک سکنه این شهر آخری فعلا روس است .

اگر این مقدمات بنی المقدمه برسد یعنی اگر دیگران در نقشه خود مستمراً و منظماً کار بکنند و ما نلک لنگان حرکت کنیم نتیجه آن خواهد شد که با انقطاع از یگانه خرج دریائی خلیج فارس که فعلا حکم يك دریاچه انگلیسی راییدا کرده دولت شاهنشاهی ایران حتی در صورت حفظ استقلال خود هم بیاباه حکومت سربداران یا حکومت شادشجاع (از آل مظفر) تنزل خواهد کرد جلو گیری از این خطرها يك مبارزه اقتصادی متکافی و ترقی عظیم سرمایه ملی و تجارت و صنعت و فلاحت ملی لازم دارد و آن نیز بدون داشتن وسایل علمی و تربیت عمومی ملت محال عقلی است .

بعقیده من در این زمینه بهترین کلام از طرف یکی از فضلاء ژرف بین مصر گفته شده که بحقیقت يك جمله طلائی است و متضمن تمام معانی و نکاتی است که بتوان در این باب با شرح مبسوط بیان آورد و در واقع این کلمه حکمت را مانند اقوال بزرگان دنیا باید نسخه علاج درد ملل عقب مانده دانست آن کلام اینست « علموهم و اترکوهم » یعنی ملت را تعلیم بدهید و دیگر کاری با او نداشته باشید و او را بنخود بگذارید بعبارة آخری اولین وظیفه تعلیم و تربیت مردم است و پس از آن آنها رشته کار خود را پیدا میکنند .

علاوه بر تخصیص مبلغ کافی و مهم برای تعلیم و تربیت باید بطور

تصاعد تدریجی این قلم را همه ساله بالا برد قدم اول تأسیس چند دارالمعلمین است باندازه‌ای که بتوان معلمین برای آن مدارس پیدا کرد ، تأسیس و تکمیل مدارس متوسطه بجهت پیدا کردن محصلینی که برای تحصیلات عالی به‌خارج می‌توان فرستاد . فرستادن عده کثیری (مثلاً صد نفر هر سال) محصلین به‌خارج برای فراگرفتن فن تعلیم و تربیت علماً و عملاً بنای عمارت مدارس در ولایات مطابق طرز جدید و موافق حفظ الصحه ، تهیه لوازم علمی مدارس متوسطه و ابتدائی ، تهیه کتب خوب برای این مدارس بارزاترین و نفیس ترین درجه ممکن .

در تکمیل مدارس ابتدائی موجوده یعنی در اصلاح طریق تعلیم و انتخاب معلمین بهتر و تأسیس کلاسهای کم‌مدت برای آشنا کردن معلمین قصبات و دهات و حتی بلاد باصول تعلیم و تربیت امروزه ، اصلاح ابنیه مدارس و تعمیر آنها ، توجه بحفظ الصحه اطفال و غیره نیز باید مبلغی خرج و اهتمامی کافی بذل شود . لکن اگر تصور شود که تنها کیفیت مدارس و خوبی طرز تعلیم و تربیت اهمیت دارد نه کمیت آنها دچار خطای عظیم خواهیم شد . در مرحله اول کمیت مدارس و تکثیر عده اهل‌سواد که حد اقل خواندن و نوشتن را بلد باشند اهم امور است و همه اصلاحات دیگر با این کار آسان میشود و مطالب و مباحثات از زبان و مجلس صحبت بکتاب و روزنامه و قلم و کاغذ می‌افتد و نتیجه یک برصد زودتر حاصل میشود . یک نکته هم باید گفته شود و آن اینست که گاهی در مقابل شکایت از عدم توجه کافی بمعارف و کمی مخارجیکه در این راه میشود بمغالطه حسابهای نشان داده میشود و مخارج بعضی وزارتخانهها برای فرستادن محصلین بجهت فراگرفتن فنون مخصوص بامور خود آن وزارتخانه مانند محصلین وزارت جنگ و وزارت تلگراف و وزارت طرق و شوارع و اداره راه آهن هم جزو بودجه معارف عمومی قلمداد و بحساب آورده میشود در صورتیکه فقط مصارف محصلینی را که برای تحصیل فن تعلیم و تربیت به‌خارج فرستاده میشوند جزو بودجه معارف عمومی میتوان شمرد و بس و

در ممالک دیگر نیز بهمین ترتیب محسوب میشود .

دولت لهستان از ۲۱۶ ملیون عایدی سالیانه خود چنانکه ذکر شد ۳۲ ملیون و ربع ملیون تومان برای معارف صرف میکنند که درست صدی ۱۵ عایدات اوست و در مقابل این ۴۱۴^{۶۷} ۲۷ مدرسه ابتدائی با ۱۷۶^{۱۶۶} معلم و ۳۴۰^{۳۳۷} شاگرد دارد و تمام تحصیلات ابتدائی مجانی و اجباری است ، ۷۷۸ مدرسه متوسطه با ۶۸۱^{۱۴} معلم و ۹۷۸^{۹۷۸} شاگرد و ۱۹۵ مدرسه دارالمعلمین بزرگ با ۱۹۳۱ معلم و ۴۳۷^{۴۳۷} محصل دارد . علاوه بر اینها ۷۵۰ باب مدارس تکنیکی و فنی دارد با صد و ده هزار شاگرد . این دولت که با وجود گرفتاری او بادای سی ملیون تومان در سال برای استهلاك دیون خود این مبلغ را برای تعلیمات عمومی و ۱۳ ملیون تومان برای صحیه در سال خرج می کنند ، میدانید بوکلای « سیم » (مجلس ملی لهستان) چقدر در ماه حقوق میدهد ؟ فقط ۱۲۰ تومان لکن مملکت ما برای همه چیز پول دارد غیر از معارف . مخارج تلگرافات يك وزارتخانه چهارصد هزار تومان در سال داده میشود ، در لهستان تأسیس سفارت جدید لازم دیده میشود ، به پروباگانند در خارجه اهمیت داده میشود ، توسعه افراطی عدلیه ضرور شمرده میشود ، ۶۵۸^{۰۰۰} تومان مصارف مجلس شورای ملی میشود ، بتجمعات شهری شوق مفراطی اظهار میشود ، برای اعلان مناقصه راه آهن بزبان فرانسه در جراید کرمانشاه (که قطعاً آن جراید در ایتالی و آلمان خواننده نمیشود) و سایر جراید مملکت هشت هزار تومان صرف میشود ولی شش هزار تومان مخارج مدرسه اکابر اسراف تلقی میگردد آیا این ترتیب شبیه حکایت لافوتن از اعتراف جانوران بگناهان خود و اقتادن تمام گناهان بگردن الاغ بدبختی که از شدت گرسنگی يك دهن مزروع سبز خورده بود نیست ؟ در همین بودجه امسال دولت برای سجل احوال و عدلیه و وزارت خارجه اضافه لازم دانسته و برای معارف جز فرستادن عدمای محصلین بخارجه آنها بیشتر برای تحصیل فنون دیگر غیر از فن تعلیم و تربیت توسعه دیگری پیشنهاد نکرده اند .

حقوق معلمین ابتدائی بغایت ناقابل است در بعضی ولایات حقوق معلم مدرسه ابتدائی از حقوق فرائش مدرسه هم کمتر است، عزت و حرمت و قرب و منزلت هم که ندارند، رتبه ۷ و ۸ و ۹ هم سیر نمیکنند و تشویق کافی هم که نیست پس این جمع که خلق ملت جدید و ساختن و پرداختن بنای سعادت آینده به آنها واگذار شده بچه امیدی وظیفه ملی خود را با شوق و ذوق انجام خواهند داد و کبست که پسر یا دخترش را برای تحصیل فن معلمی بخارجه بفرستد یا بمدارس دارالمعلمین خودمان بگذرد و سعی نکند که او را وکیل مجلس یا عضو اداره دولتی نماید؟ در حقوق قضات و اعضای عدلیه و وکلای مجلس افراط شده و در حقوق معلمین و اجزای تلگرافخانه تقریباً این آخری عاقبت جلب توجه « اولیای دولت » را کرد و معلم در همان حال ماند که بود تصور اینکه اول باید معلمین خوب و لایق پیدا کرد و بعد حقوق خوب و کافی داد خطاست اول باید حقوق خوب داد و بعد نالایقها را بیرون کرد و لایق ها را بجای آنها گذاشت اگر جداً خواسته شود که بودجه معارف بحد کافی و شایسته و آبرو مند بالا برده شود و قدهای مهمی در راه پی افکندن شالوده صحیحی برای تربیت ملت بر داشته شود از مخارج دیگر مملکتی به آسانی میتوان مبلغ لازم را بی دغدغه خاطر کسر و بمعارف اضافه کرد و از عرض و طول ادارات بی حساب بیشمار و کم بار و پر از روزی خوار کاست و نیز متصدیان وزارت معارف مملکتی را از تشریفات وزارت و وظیفه حضور در جشنها و سفارتخانهها و مهمانیها و شورای هیئت وزراء و مجلس ملی و دلجوئی و کلای پر توقع که رئیس معارف ولایات را برای جمع آوری رأی در انتخاب خود و دادن کار بیستگان آنها میخوانند آزاد نموده اداره کنندگان يك اداره ثابت و قادری با نقشه و سیاست مستمری باید کرد که طراح و مجری آن نقشه و آن سیاست باید مثل مستشاران مالیه ما چندین سال متوالی در کار خود با تسلط لازم بماند « کودتا » در ادارات و منحل ساختن آنها و تغییرات کلی آنی که اخیراً مرسوم شده و دلیل کسفات و لیاقت هر وزیر تازه کار شمرده میشود هر قدر در ادارات دیگر بداست در وزارت

معارف بدتر است اصلاحات باید از روی نقشه و بتدریج طبیعی بعمل آید و قبل از هر چیز و لازمتر و مهم تر از همه عمل آوردن اهل فن یعنی فارغ التحصیل‌های فن تعلیم و تربیت است.

تا يك ارکان حرب كل تمام عیاری دارای عدهٔ کافی برای مبارزه با جهل و بی سوادى عمومى که بدترین دشمن استقلال و سعادت و ترقى این ملک است تدارك نکنیم و تا بواسطهٔ تربیت هزار نفر معلم خوب و پانصد نفر معلم دارالمعلمین در مدارس عالیة خارجه این ارکان حرب و هیئت صاحب منصبان اردوى جنک برضد جهل را مهیا نسازیم و بواسطهٔ بسط تعلیم ابتدائى تکانى بمملکت ندهیم این خواب سبات که ملت در آن غرق است بدون انقطاع بمرک اتصال پیدا میکند.

واقعاً خجالت نمیکشیم و هرروز از مقابله در امورسیاسى با آمریکا و فرانسه حرف میزنیم و از ننگ جهل و کثافت که در آن غوطه وریم عار نداریم مملکت ایالات متحدهٔ امریکای شمالی قریب دو هزار میلیون تومان در سال صرف مدارس ابتدائى و متوسطهٔ خود میکند و برای ۹۱۳ باب دارالفنونها و مدارس عالیة خصوصى قریب ۳۹۰ میلیون تومان خرج میشود ژاپن ۲۵۰۵۸۲ مدرسهٔ ابتدائى دارد با ۱۹۷-۱۹۵ معلم و ۶۱۹-۹۰۲۰۰ شاگرد و ۴۲۲ مدرسهٔ متوسطه با ۹۰۰۷ معلم و ۲۱۹-۱۰۱ شاگرد و علاوه بر اینها ۱۶۴۳۱ باب مدارس خصوصى و فنى و عالی و غیره دارد حتى بلغارستان بدبخت با وجود آنکه ۲۰ درصد از بودجهٔ او بپرداختن قروض و غرامت جنگى صرف میشود ۹ و نیم در صد برای معارف صرف میکند از دول و ممالک بزرگتر بگذریم فلسطین که فقط هفتاديك وسعت خاک ایران (یعنى ایران هفتاد برابر آن مملکت است) و ۷۵۷۰۰۰ نفوس دارد قریب شصت و پنج هزار شاگرد در مدارس ابتدائى و متوسطه دارد در ارمنستان قفقاز از ۸۱۰۰۰۰۰ نفوس ۸۱۰۰۰۰ نفر در مدارس هستند و در گرجستان از ۲۰۶۲۱۰۰۰ نفوس ۲۱۰۰۰۰۰ شاگرد در مدارس ابتدائى و متوسطه است و روسیه که ما بواسطهٔ همسایگى باید بترقیات آن مملکت بیشتر مراقبت داشته باشیم

بیشتر از عشر عایدات خود را (۱۰٫۵ درصد) برای معارف عمومی صرف میکند در صورتیکه ما با داشتن صدی ۹۸ بی سواد در مملکت اینهمه بدفع بی سوادی کمتر اهمیت میدهم بلاشك این ممالک عمده اهمیت را بتعلیمات ابتدائی عمومی و بسط تعلیم و تربیت در مملکت و دفع بی سواد می دهند و البته ما نیز بایدبیشتر از عشر تخصیصات معارفی خود را به تعلیمات عالیہ (باستانی تحصیلات دارالمعلمین های داخله و خارجه) صرف نکنیم البته پس از دفع بی سواد از مملکت و نشر کامل تعلیم ابتدائی باید بیلا بردن میزان تعلیم عمومی نیز پرداخته شود در نقطه‌ای که اخیراً مدیر وزارت معارف برلن (کسمر) در کنگره بین المللی تعلیم و تربیت منعقد در آن شهر کرد اظهار داشت که ترقی و تکامل حیات اقتصادی آلمان بسته ببلندی پایه تعلیم ملت آلمان است و از اینجا دیده میشود که ترقی اقتصادی هر مملکتی نیز کاملاً مربوط و منوط بترقی معرفت عمومی ملت است .

۳۸۳

تعلیم و تربیت ملت تنها چیزی است که در عین آنکه اساس همه ترقیات دیگر است آنرا نمیتوان از دست ملت گرفت و بهمین جهت ضامن بقای قومیت و عودت عظمت مسلوب و از دست رفته میشود برای این نکته بهتر از این دلیلی نمیتوان یافت که پس از جنگ بین المللی اخیر تقریباً همه چیز آلمان را که وسائل قوت و قدرت او بود از دست وی گرفتند جز تربیت ملت آلمان و علم علمای آنها را که از مغزشان نتوانستند خارج کنند و باین جهت آلمان در چندسال باز زنده شد . ولی اگر عهد نامه و رسائی میتوانست بجای آنهمه مواد دور و دراز برای گرفتن مستعمرات و پول و گاو شیرده و واگون و توپ و طلا و میلیارد ها تومان غرامت تنها بموجب يك ماده شرط بکند که آلمانها علم و سواد خود را فراموش بکنند برای دشمنان آلمان مناسبتر و با صرفه تر بود و آنها را از تمام شرایط دیگر بی نیاز میکرد و آلمان تا سدسال دیگر با داشتن همه چیز دیگر نمیتوانست قد علم کند .

در عین آنکه با سواد کردن مردم و وسعت انتشار تعلیم ابتدائی کمال اهمیت را دارد از ابتدا باید بطرز تعلیم و کیفیت تربیت و اصول مفیده

نیز توجه لازم بشود در این زمینه مسلماً باید بفرق تعلیم نظری و تعلیم و تربیت عملی یا تربیت ملل لاتینی و انگلیسی زبان بر خورده اصول تربیت عملی را ترجیح داد و بهمین مقصود در فرستادن محصلین بفرنگ باید نکات فوق را در نظر گرفته در انتخاب ممالک دقیق شد.

صحیح
عمومی

راجع بصحیه نیز باید مانند معارف اهل فن بعمل آورد و آنگاه دائره را وسعت داد و باین جهت چند سال باید برای عمل آوردن اطبای صحی (که تا آنجا که من اطلاع دارم یکنفر هم در ایران نداریم) کوشید و مقدار مهمی از مخارج صحیه را برای تهیه این قسم اطبا صرف کرد ولی برای شروع بکار فعلاً بعقیده این جانب هیچ ضرری عمده در آن نیست و بلکه لازمست که هیئتی از اروپائیان اهل فن که در این رشته عمل کرده باشند استخدام شده کار نجات نفوس مملکت از قتل عام امراض اطفال و امراض تناسلی و تب نوبه و سل و محرقة و حصبه به آنها سپرده شود و ملزم باشند بر آنکه عده ای از فارغ التحصیلهای مدرسه طیبی را نیز برای اینکار تربیت کنند. دائره اقدامات صحی بلاشک هر سال باید وسعت بگیرد تا بمیزان کافی برای مبارزه جدی با امراض منقرض کننده قوم ما برسد. با اینهمه امراض مهلکه در ایران و اضافه شدن تریاک و الکل و نبودن ورزشها و نواقص تربیات مزاجت و وجود اسباب و علل امراض در ممالکت مخارج صحی ما نزدیک بتناسب مخارج هیچ یک از ممالک بزرگ و کوچک متمدن و نیم متمدن نیست حتی عثمانی ۱۷٪ در صد بودجه خود یعنی یک میلیون و هفتصد و پنجاه هزار تومان برای صحیه خرج میکند (۱) یکی از وسایل درجه اول حفظ صحت عمومی نشر تعلیم است در اکناف مملکت و مخصوصاً افزودن میزان بهره دروس حفظ الصحه در مدارس ابتدائی و این یکی از نکات خیلی باریک و مهم است.

۳۸۴

«۱» با وجود فواید عظیم مراقبت صحی عمومی در اهمیت آن نباید مبالغه و حتی بر معارف عمومی مقدم داشته شود در هیچ مملکتی مخارج صحیه پنبای معارف نمیرسد. روزو روسیه اندکی بیش از صدی؛ عایدات خود را بصحیه میدهند.

اقتصاد و فلاحت اینجانب در هر موقع این مسئله را تکرار کرده ام که رشته های مهم اصلاحات مملکتی در درجه اول معارف است و صحیه و اقدامات اقتصادی و در واقع این آخری فی حد ذاته برای مقصود اصلی تمدن که سعادت افراد است از همه مهم تر است اگر نه آن بود که بدون تعلیم عمومی ملت و تعلیم عالی افراد کافی امور اقتصادی و ثروت خیز مملکت بدست بومیان مملکت نمی گذرد اقدامات اقتصادی بمعنی اعم سه شعبه عمده دارد و صدها شعب دیگر مقصود از سه شعبه عمده طرق و شوارع شوسه و آهنی است ، فلاحت و آبیاری و جنگل و بطور کلی ترقی محصولات زمینی و اقدامات دیگر مربوط بقواید عامه و تولید ثروت ملی و ترقی تجارت اصلاحات در دو رشته اخیر بمعنیه من فوراً با انگاره بزرگ باید شروع شود و بتدریج میتوان میزان مخارج آنها را یا در واقع تناسب آنها را ببودجه کل پائین آورد چه برای رهنابیدن مملکت از فقر اقتصادی و استیلاهی مهیب و وحشتناک سرمایه داران خارجی و تزیاید هولناک صادرات چاره جز آن نیست که در مقیاس وسیعی با اقدامات ثروت زای مبادرت شود و نمیتوان در این زمینه منتظر تربیت مهندسیین و ارباب فن و فلاح عالم شد . مدار دنیا روز بروز بیشتر بر اقتصادیات میگردد و سیاست بمعنی اخص جای خود را سیاست اقتصادی میدهد . هجوم سرمایه خارجی و احتیاج اهل مملکت بخارجه در هر چیز از لوازم و ترقی فوق العاده و وحشت انگیز واردات و تنزل صادرات مملکت بطور یست که اگر اقدام عاجلی در اصلاح امر نشود فنای اقتصادی ما حتمی است . ظاهراً در این شدت احتیاج بخارجه در تمام لوازم زندگی مملکت ما در دنیا نظیری ندارد و اگر باین رویه پیش برود قسمت عظیمی از مأكولات هم که فعلاً تنها متاع بومی است که از خود مملکت حاصل میشود از خارجه وارد خواهد شد باین جهت باید در مقیاس وسیعی بکار شروع کرد و يك عده مهندسیین طرق و ماشین و سد بندی و آبیاری و ارباب فنون فلاحت و مدیر جنگل از خارجه استخدام کرده فوراً بکار انداخت از يك طرف طرق و شوارع

عمده مملکت را شوسه درجه اول یعنی مثل شوسه های خوب فرنگستان و آمریکا ساخته از طرف دیگر با اصلاح فلاحت و اجرای فلاحت علمی و دفع آفات نباتی و حیوانی و مخصوصاً بایجاد آب و ترقی آبیاری همت گماشت اما نه در میزان بطیاء فعلی بلکه باید در صورت لزوم مثلاً یک هکتار فنی مرکب از صد نفر مهندس و صنعتگر استاد (تکنیک دان) یکجا استخدام نموده در یک خط راه بکار انداخت و همینکه آن خط تمام ساخته و پرداخته شد بخط دیگر شروع کرده مراقب حفظ و تعمیر دائمی خط اولی شد همچنین یک هکتار فنی بزرگی برای آبیاری و سدیندی و اصلاح فلاحت باید استخدام کرد و عده ای برای جنگلها و عده کافی برای معادن و الکتربک و فواید عامه انتفاعی و از طرف دیگر بتوسعه زراعت پنبه و چای و توت و اشجار میوه دار و قوتون و بسیاری از نباتات که بصادرات مملکت کمک میکند دست زده اقدامات عظیمه و وسیعه در این زمینه کرد.

برای تأسیس کارخانهای لازم و استخراج نفت و اصلاح امر قالی ایران و ترقی این کار و چندین رشته های عمده اقتصادی باید فوراً در انگاره بزرگی اقدام کرد. ولی در همان وقت جزو بودجه هر یک از اداره طرق و شوارع و اداره فلاحت و اداره فواید عامه قطعاً باید فرستادن دو برابر عده خارجیهای استخدام شده از جوانان مملکت بخارجه برای تحصیل کامل علمی و عملی همان فنون منظور شود و بتدریج هر چه محصلین ما از فرنک برگشتند بجای مستخدمین خارجی گماشت تا در ۱۵ یا ۲۰ سال دیگر عده مستخدمین خارجی برای این امور بده در صد عده اصلی برسد و مثل اداره گمرک ما نباشد که پس از ۲۸ سال اداره فرنگی هنوز از آنها نمی توانیم بی نیاز شویم زیرا که آدم تربیت کردن جزو نقشه ما نبوده بلکه زیرا که اصلاً نقشه نداشتیم.

راست است که پول کلی که برای استخدام عده کافی اهل فن خارجی صرف میشود از خزانه مملکت خارج شده و قسمتی از آن بخارجه میرود لکن در عوض آن مبلغی ثروت داخل کیسه مردم مملکت میشود و در واقع عوض هر یک تومان خرج دولت ده تومان

ثروت ملت زیاد میشود و انگهی بدون این اقدامات از طرف دولت خود کمپانی های خارجی کارهای اقتصادی را در مملکت ما برای خود میکنند و همان مهندسين برای آنها کار کرده و در واقع از پول مملکت ما مزد میبرند و چیز مهمی عاید ما نمیشود چنانکه امروز از شیوع استعمال اتوموبیل که مملکت از آن پر میشود فقط کارخانهای اتوموبیل سازی فرنگی، معادن نفت روس و انگلیس و شوفورهای عرب و هند و قفقاز بهره زیاد میبرند و خود کارگران مملکت بیکار شده اند.

با دست زدن با اقدامات مولد ثروت باید قوانین عاقلانه و سخت گیرم بکمک آنها برسد مبارزه با امتعه تجملی خارجی باید بشدت آتشین بعمل بیاید و ریشه صدها از این قبیل امتعه باید از این مملکت کسند شود، تعرفه گمرکی باید بمنفعت خود مردم مملکت اصلاح شود و قوانین تشویق سرمایه داخلی و کمک بعمله و اصلاح حال عمله بموجب قوانین دائماً نصب العین دولت و مجلس ملی شود. بعقیده اینجانب دولت باید بموجب قانون مخصوصی بهر کارخانه فنی و ماشینی در ایران که بیشتر از صد عمله داشته باشد تا ده سال آینده بنسبت هر صد عمله که در تمام سال موجود باشد دو الی پنج هزار تومان در سال اعانه مجانی بدهد و فقط شرط کند که صاحبان این کارخانها قسمتی از اجزای اداری خود را از مستخدمین دوائر دولتی که منتظر خدمت یا بیکار شده اند بگیرند از طرف دیگر نیز دولت باید سرچشمه سیل مستخدمین را بکلی ببندد و نگذارد جز محصلین مدارس عالیه تاده یا نوزده سال کسی جدیداً وارد خدمت شود (مگر نادراً و برای رتبه های پائین تر) و در این ضمن به تنقیه ادارات از اجزای کم کار و نالایق و بد اخلاق و تزوید مقدار فعالیت اجزای موجود بپردازد تا اقدام بشغلهای آزادرا در مملکت تشویق نماید، قوانینی هم برای انحصار دادن بعضی کارها و صنعتها و کسبها بایرانیان لازم است.

از این نکته نیز نباید غفلت کرد که فواید تسهیل مناقلات تنها اقتصادی نیست بلکه علاوه بر آنکه از حیث ارتباط اجزای مملکت و جماعات مختلفه ملت بهمدیگر فواید سیاسی عمده راجع بوحدهای ملی

داشته و از حیث سرعت حرکت دادن قوای تأمینیه فواید نظامی و سوق الجیشی دارد فایده مهم و عظیم آن در خدمت بتمدن مردم و ترقی عقلی و فکری و معرفتی عامه کمتر از سایر فواید آن نیست افکار مردمیکه از ناحیه محدود خود یا بیرون نگذاشته اند مانند آب را کد گنبدیده و گل آلود میشود و بیرون حکمت « فسیروافی الارض » یا « از این درخت چو بلبل بدان درخت نشین . بدام دل چه فرو مانده ای چو بوتیمار مثال اسب و الاغند مردم سفری نه چشم بسته و سر گشته همچو گاو عصار » وسعت افکار و خیالات و ترقی در بینش پیدا میکنند

در ممالک عقب مانده که تازه بیدار شده و براه عمران اقتصادی میخواهند بیفتند مخصوصاً سر مشق خوبی در این زمینه برای ما موجود است دولت عثمانی بیشتر از عشر عایدات خود را (قریب صدی ۱۲) برای فواید عامه صرف میکند یعنی از ۱۸۹ میلیون لیره عایدات خود (قریب ۱۰۲ میلیون تومان) بیشتر از ۱۲ میلیون تومان در سال به این رشته خرج میکند در صورتیکه برای وزارت خارجه قریب صدی نیم یعنی يك میلیون و ششصد هزار تومان در سال می دهد و در واقع بتناسب عایدات خود خیلی کمتر از ما صرف میکند ، هولاند بفواید عامه قریب ۱۳ و نیم درصد از عایدات خود میدهد و صربستان (یوگوسلاوی) تنها ۲۱٫۶ برای طرق و شوارع صرف میکند و روسیه بطرق و شوارع و پست ۳۰٫۳ درصد از بودجه خود میدهد .

فلاحت و آب یکی از اموری است که همیشه نقطه عمده توجه ایران خواهد ماند و بتدریج باید بر اهتمام و مخارج ما در آن رشته افزوده شود . ایران از قرون اولی مملکت اهور مزدا بوده و همیشه دوستان هر مز سعی برای آب و فلاحت و ایجاد آنها و غرس اشجار و دفع آفات زراعترا که موجودات اهریمنی می دانستند وظیفه مقدس بهدینان شمرده اند . در واقع زندگی هر چیز از آب بودن در این مملکت کم آب بیشتر از همه جا صادق است و هیچ نوایی بحقیقت بزرگتر از ایجاد آب و توسعه فلاحت و

کاشتن درخت نتواند شد چنانکه هیچ گناهی و جنایتی هم بد تر از بر انداختن درختان کهن نیست. دولت روس ۴ر۵ درصد از بودجه کل خود را برای فلاح صرف میکند و رومانی ۳ و نیم درصد.

مخارج
اداری

برای وزارت عدلیه و مالیه شرحی لازم نیست.
اگر ماصدی چهار از کل عایدات خودمان را

بعدلیه بدهیم امروز يك ملیون و نیم تومان و چند سال بعد شاید دو ملیون باین رشته صرف خواهد شد و بعقیده من بعدها یعنی پس از دوره اصلاحات اساسی میتوان میزان مخارج این رشته را از صدی سه هم باندازه معتدبه پائین تر آورد. دول متمدن اغلب کمتر از صدی ۲ بودجه خودشان در سال برای عدلیه خرج میکنند (۱). وزارت مالیه هنوز مخارج بیشتری لازم دارد ولی سال بسال باید تقلیل شود.

وزارت داخله باید اصلاح و تنظیم شود یعنی در عین آنکه باید ساده تر گردد لازم است ماشین این وزارتخانه به يك اصلاح اساسی معروض شود و عبارت دیگر باید کیفیت آن بیش از کمیتش اصلاح شود ولی نظمیه و امنیه بالعکس باید هم در کیفیت و هم در کمیت تکمیل شود و مخصوصاً باید توجه زیادی بتعلیم نظامی این قوی بشود چنانکه در خیلی از ممالک این قوی را نیز در موقع حاجت داخل حساب نظامی خود میکنند دولت لهستان بیش از پنجاه و دو هزار نفر نظمیه و سوار گمرکی دارد و اینها را نیز تعلیم نظامی خوب میدهد و بکمک آنها در موقع جنگ اعتماد دارد برای حسن اداره مملکت از لحاظ اداری و سیاسی باید تمام مملکت بنواحی کوچکتر تقسیم شود.

اصلاحات مهمه وزارت خارجه هم باید راجع به کیفیت آن باشد نه بکمیت آن و عجب است که در این باب بیش از همه اشتباه عمومی موجود

«۱» اتریش با ۳۸۰ ملیون تومان عایدات کمتر از ۹ ملیون بعدلیه میدهد یعنی کمی بیش از صدی ۲ بودجه خود، ژاپن کمتر از صدی ۲ عایدات خودش و همچنین ایتالیا، فنلاند قدری بیش از صدی يك و کانادا قریب صدی نیم و بلغارستان ۲ و ربع درصد و عثمانی ۲ر۶ در صد و هولاند ۳ و نیم در صد

است مردم بدبخت و آبرو دوست و نمایندگان غیور و افتخار دوست آنها که سر بلندی و رو سفیدی ملت خود را طالبند عموماً چنان تصور میکنند که سر بلندی و آبرو مندی مملکت در تشریفات ظاهری نمایندگی ما در خارجه و تجملات و مهمانیها و پذیرائیهاست و گمان میکنند اگر عیاش بیقیدی را در بهترین عمارت پایتختیهای اروپا و آمریکا نشانیده پول کافی برای او برسانند که لباسهای خوب پوشیده و بهوتلهای عالی برای شب نشینی برود مملکت بدبخت آنها با شرافت و عزت میشود ولو آنکه این « نماینده مملکت داریوش » مرتکب صنوع کثافت کاریها و مشغول رئائلی بشود که محض حفظ آبروی مملکت خود نباید بذکر آنها پردازیم

اداره پست و تلگراف هم اگر ابتدا قدری برای سیم کشی و بعضی اصلاحات اساسی مخارج بیشتری لازم داشته باشد بعدها میتواند مخارج آنرا اقلاً بهمین میزان فعلی نگاهداشت و در واقع نسبت آنرا بیودجه مملکتی کوچکتر کرد و حتی ممکن است از میزان مخارج فعلی هم پائین تر آورد.

قوای مقننه برای مجلس و در بار صدی ۳ از بودجه کل و اجرائیه کاملاً کافی است دولت هلاند که سبصد و پنجاه میلیون تومان عایدی سالیانه دارد رو بهمرفته بدربار و کابینه آن و مجلس ملی و سنا کمتر از یک میلیون ونیم تومان در سال میپردازد عثمانی نیز با ۱۰۲ میلیون تومان عایدات سالیانه برای مجلس مقننه خود بیش از ۸ در هزار از بودجه خود در سال خرج نمیکند یعنی کمتر از یک در صد ولی ما برای یک مجلس تنها قریب ۲ در صد از بودجه خود میدهیم یا اندکی کمتر دولت اسپانی ۳ در هزار از بودجه خود برای مخارج دربار و بمجلس شورای ملی خود (که دوباره دائر شده) کمتر از یک در هزار (و در واقع ۶۰۰۰۰۰۰ بودجه) صرف میکند فلاندا از ۲۲۰ میلیون تومان عایدات خود برای مجلس ملی ۲۷۴۰۰۰۰ تومان میدهد یعنی یک وربع در هزار و برای معارف عمومی مملکت چهل برابر آن مبلغ خرج میکند و ما تقریباً بمعارف رو بهمرفته دو برابر مخارج مجلس تخصیص داده ایم.

ارتباط
برای بحریه خود ما باید « پروگرامی » اتخاذ
دریانی کنیم و هر سال باید کشتی های جدید از
طرز اخیر چه تجارتي و چه کشتی مسلح خریده آنچه را که داریم تعمیر
کنیم و کهنه ها را بفروشیم. بندر های جدید دارای لنگرگاههای خوب
و مرتب و بار اندازها بسازیم و باین جهت باید مخارج این رشته را بالا
ببریم تا پس از ۱۰ سال مثلاً يك ميليون و نیم تومان در سال برای بحریه
خرج کنیم که بدون داشتن مناقلات آبی مملکت مخرج اقتصادی ندارد و
در واقع راه نفش بسته است .

این نکته را باید یکجا و بطور کلی راجع بهمة اقالام « بودجه
خودم » محض دفع هر شبهه و جواب سؤالات مقدر اظهار کنم که بعقیده
من يك قسمت مهمی از تخصیصات مالی هر رشته از امور مملکتی از قشون
و معارف و صحیه و طرق و شوارع و فواید عامه و عدلیه و نظمیه و پست
و تلگراف و بحریه و غیره باید قطعاً برای فرستادن عده کافی محصلین به خارجه
محض تحصیل کامل آن فنون صرف شود و نیز بتأسیس یا تکمیل مدارس عالیه در
مملکت اهتمام لازم بعمل آمده و مبلغ کافی از همان بودجه خرج شود در نه داشتن
ده کشتی جنگی و چند بندر خوب بدون داشتن صد نفر عالم فنون بحری و يك
مدرسه بحریه در خلیج فارس برای مقاصد ملی مملکت فایده ندارد و ممکن
است صاحب منصبان بحری خارجه که مستخدم ما در کشتیهای مساح
ماباشند جلو مال التجاره قاچاقی را که از مملکت خودشان به ایران می آید بگیرند .
از ۳۷۰۳۹۰۰۰۰ تومان عایدات پیش بینی شده سال ۱۳۰۷

اگر مطابق بودجه های سال جاری یعنی ۱۳۰۶ خرج شود مبلغ ششصد و
پنجاه و هشت هزار تومان و کسری برای مجلس ملی و دو میلیون و چهار
صد و هفتاد هزار تومان و کسری برای وزارت داخله و نظمیه و سه میلیون و سیصد و
بیست و نه هزار تومان و کسری برای مالیه و يك میلیون و نهصد و چهل و
هفت هزار تومان و کسری برای پست و تلگراف صرف میشود و هکذا و
از این جمله مبلغ هنگفتی برای مخارج اداری و باصلاح معروف برای
میز و صندوق خرج میشود توسعه ادارات و مخارج اداری و کار پیدا کردن

برای اشخاص مصر در تحت تأثیر ملاحظات شخصی و توصیه ها و غیره یکی از عوامل مهم خرابی این مملکت شده و قسمت عمده پول خزانه ملت که از دهقان و کارگر و کسبه گرفته و جمع میشود بجای صرف شدن در امور حاصلخیز برای ملت یا ترقی معرفت عمومی یا حفظ صحت عمومی و دفع امراض و بهره دادن بمالیات دهندگان بمصرف استخدام کشوری و حقوق اردوی مستخدمین میرسد قانون استخدام و سیر مراتب رتبه ها و فقدان امتیاز فضلی خطر مالی برای مملکت تهیه میکند. اصلاحات « اساسی » که در این زمینه گاهی به آتش فشانی و سرعت برقی شروع میشود اغلب منتهی بسنگین تر شدن بودجه و اضافه حقوق مستخدمین و تزیید عده آنها میگردد بعقیده اینجانب باید قطعاً در این باب يك اصلاح عمده اجرا شود و بواسطه ترتیب سیر رتبه های استخدام بر حسب درجه تحصیلات مستخدمین و راه ندادن بفارغ التحصیلهای ابتدائی و متوسطه برتبه های عالیتر و سد راه استخدام جدید بقدر مقدور از بکطرف و ایجاد کارهای اقتصادی در مملکت از طرف دیگر باید اصلاحی تدریجی و غیر محسوس و از روی يك نقشه و سیاست اداری بعمل آورد

۳۹۲

پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

توسعه علم یکی از امور خیلی ضروری برای تکامل و اطلاع عقلی طبقه منوره ملت علاوه بر تعلیم مدارس نشر کتب مهمه است برای این کار قطعاً باید اقدام جدی بعمل آید و باین جهت علاوه بر تخصیصات معارف عمومی این قلم فی حد ذاته مستقلا درج شده ولو آنکه اجرای آن با وزارت معارف باشد یا باداره مستقلی بدون داشتن کتب کافی ملت رشد کامل نمیکند و ترجمه کتب مهم دنیا بفارسی و احیای کتب قدیمه ملی جزو عمده این رشته کار است

طبع و نشر وسیع کتب مهمه و مفیده بقیمت ارزان و باصحت عبارات و نفاست چاپ و مخصوصاً ترجمه کتب مهم و اساسی مغرب زمین و نیز

احیای کتب موجوده قدیمه فارسی و طبع آنها بصحت و دقت یکی از امور مهمه درجه اول است که بیایه بلند اهمیت آن اغلب کما ینبغی توجه لازم نمیشود و چون اینجانب در ضمن مقاله ای در مجله « تعلیم و تربیت » بتاريخ مهر و آبان ۱۳۰۶ تا اندازه ای در مزایای ترجمه کتب جدیده سخن رانده ام حاجت بتکرار در اینجا نیست . فواید اساسی طبع و احیای کتب قدیمه فارسی بقدری زیاد است و تأثیر آن در تقویت روح ملی بحدی عظیم است که آن نیز خودباید موضوع مقاله مستقلمی بشود .

صنایع مستظرفه هم باید اهمیت لازم داده شود
 مستظرفه چه بحقیقت علاوه بر علم و عقل و ثروت و قوت
 ذوق هم در یافتن راه راست دخالت عمده دارد علاوه بر آنکه خود یکی
 از اسباب سعادت است در این زمینه مملکت ما کاملاً بمرحله قرون
 تاریک افتاده و حتی نسبت بقدم هم فرسخها انحطاط پیدا کرده است

این بود خلاصه ای از شرح نقشه و بودجه مثالی و خیالی و فرضی اینجانب که تسوید شد و چنانکه گفته شد ادعا ندارم که این بودجه یا نقشه ای که نماینده آنست بهترین بودجه و آخرین حرف باشد بلکه امیدوارم این مثال محرك سیاسيون مملکت بر بحث و تحقیق در این زمینه شده موجب اتخاذ يك نقشه اجماعی گردد و یا اقلاً جلب التفات بلزوم داشتن يك نقشه استمراری نموده سبب اتخاذ يك نقشه ناقص یا کامل بشود که بهر حال داشتن هر نقشه ای بهتر از دادن زمام بدست تصادفات و خیالات عارضی است

برای علاج هر مرضی چهار شرط ضرور است: تشخیص صحیح مرض ، تشخیص علاج قطعی ، مهیا بودن اسباب علاج و استعداد اخلاقی شخص برای اقدام بعلاج و عمل بدستور معین یعنی داشتن مایه روحی و اخلاقی کافی از عزم و همت و سایر صفات لازمه برای اجرای دستور ولی تا آن سه شرط اولی جمع نشود استعداد و قابلیت یا عدم قابلیت شخص

معلوم نمیشود در علاج دردهای ملی نیز عیناً این حکم جاری است و تا تشخیص درد و علاج کماینبغی بعمل نیاید فراهم بودن اسباب و لوازم و وجود مایه اخلاقی کافی در ملت برای جنبش و نجات از خطر معلوم نخواهد شد و نمیتوان حکم به بی قابلیت یا استعداد ذاتی ملت کرد لهذا در این فرصت یگانه تاریخی که اتفاقات خارق عادت یا يك معجز و کرامت برای ما پیش آورد قدم اول روشن کردن مغز مردم است که امراض ملی و خطرات مملکتی را دریابد و طریق نجات را هم ادراک کند آنگاه باید دید که اولاد کاوه آهنگر را آن قدرت اخلاقی و روحانی و آن عزم آهنین باقی است که حرکتی بکنند یا آنکه تریاک و ضعف اخلاقی و اعمال ورزش و ضعف بنیه جسمانی و امراض و خیمه علیل کن بنیان نیروی اخلاقی او را بیش از آن در هم شکسته که بتواند ساحل نجات و سلامت را دریابد پس باز باید گفت علموهم و کفی

۲۵ اسفند ارشد ۱۳۰۶

حسن تقی زاده

تصحیح اغلاط این مقاله در همین شماره

دفع اشتباه	س ۲۱	ص ۳۱۴
۱۶ ملیون	س ۴ و ۵	ص ۳۱۵
عادت بود	س ۱۰	ص ۳۱۷
فرق فاحش	س ۲۳	"
۳۶۹، ۴۴۰، ۲	س ۶	ص ۳۱۸
سال نو	س ۱۳	"
هژمونی	س ۱	ص ۳۲۲
۲۱۶ ملیون تومان	س ۲	ص ۳۲۴
مقابل این خرج	س ۴	"
میخواهند عزل و نصب کنند	س ۱۲	ص ۳۲۵